



Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.4.14.0

Comparative Assessment of Factors Influencing on Citizens' Contribution in Quintet Zones of Rasht

Shahab Nobakht Haghighi^{1*} & Hossein Ali Ghanbari²

1. Assistant Professor, Department of Geography, Payam-nour University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Geography, Payam-nour University, Tehran, Iran

* Corresponding author: Email: nobakht27@pnu.ac.ir

Receive Date: 27 April 2020

Accept Date: 02 May 2021

ABSTRACT

Introduction: One of the most important factors in urban studies among the researchers and urban planners is the contribution in activities about the parts of urban which directly depends upon the people living in that area. In the literature the public participation is the other expression for the topic.

Research aim: Identifying individual and social factors affecting the participation of citizens of Rasht city in the five municipal districts of this city and comparing it with other examples and similar to this research in other cities.

Methodology: This research is observational and applied based according to its goals defined in the introduction and problem definition part of the article. which was done through a descriptive – analytical method. The total “N” numbers of the whole frequency distributions in this research is 679995 of the entire Rasht population in five municipal zones both men and women. the random sample was picked based on Cochran formula but with considering to 5 percent error and finally it reached about 384 samples.

Studied Areas: The city of Rasht with its five municipal districts and its population of 679,995 people.

Results: The result of the test is divided into two parts: descriptive and inferential. The descriptive result of the test shows that 74 percent of responders are men in the age between 45 to 54 and in the education level of B.A. the inferential result of the test shows that the variable age with the sig= 0.128 and the marriage with the sig= 0.623 are the highest point but the people trust to officials with the sig= 0.095 is the lowest point of these tests.

Conclusion: For the last sentence, as a result, one can imply that citizens interest to contribute in urban activities if the conditions meet the needs and city officials must pay more attentions seriously to the issue. However, planners must also manage the expectations of citizens. It is necessary to design an exit strategy that ensures citizens continue solving their problems once their capabilities have been developed.

KEYWORDS: Comparative Assessment, Contribution factors, Citizenry, Rasht



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۷، شماره ۴ (پیاپی ۶۱)، زمستان ۱۴۰۱
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۵ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۵X-۲۵۳۸
<http://jshsp.iurash.ac.ir>
صص. ۹۳۲-۹۱۹

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.4.14.0

مقاله پژوهشی

بررسی تطبیقی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مناطق پنجگانه شهر رشت

شهاب نوبخت حقیقی^{۱*} و حسین علی قنبری^۲

۱. استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: Email: nobakht27@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۸ اردیبهشت ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: مشارکت کلیه شهروندان در فعالیت‌های شهری امروزه توسعه و بهره‌وری خدمات شهری را تضمین می‌کند و می‌تواند مشروعیت، مقبولیت و رضایتمندی شهروندان را برای مدیریت شهری به ارمغان آورد. با توجه به اهمیت مقوله مشارکت، در این تحقیق تلاش شده است تا عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مناطق پنجگانه شهر رشت مورد تحلیل و مقایسه قرارگیرد.

هدف: شناسایی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان شهر رشت در پنج منطقه شهرداری این شهر و مقایسه تطبیقی آن با نمونه‌های دیگر و مشابه این پژوهش در شهرهای دیگر می‌باشد.

روش‌شناسی تحقیق: پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است و بر اساس هدف، پژوهش حاضر از جمله تحقیقات کاربردی به حساب می‌آید که به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل ۶۷۹۹۹۵ نفر جمعیت شهر رشت می‌باشد. برای حجم نمونه در تحقیق حاضر با در نظر گرفتن معادله کوکران با سطح پنج در صد خطا ۳۸۴ نفر از افراد بالای ۲۵ سال تعیین گردید. برای بررسی اهداف و پاسخگویی به پرسش‌های این تحقیق؛ از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی نرمال ویاغیرنرمال بودن داده‌ها استفاده گردید که باتوجه به مقادیر پدست آمده $\text{sig} = 0/000$ مشخص گردید که کلیه داده‌ها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند. جهت بررسی رابطه بین متغیرها باتوجه غیرنرمال بودن توزیع داده‌ها از یکسوی وازسوی دیگر کیفی بودن متغیرها از آزمون Spearman استفاده شد.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: شهر رشت با پنج منطقه شهرداری آن و با جمعیت ۶۷۹۹۹۵ نفری است.

یافته‌ها: یافته‌های استنباطی این پژوهش نشان می‌دهد که از بین عوامل فردی، میزان سطح تحصیلات با مقدار $\text{sig} = 0/026$ و از بین عوامل اجتماعی متغیرهای مسئولیت اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد به مسئولین شهر و رضایت اجتماعی و در نهایت از عوامل مدیریتی و سیاسی متغیرهای شفافیت فعالیت مدیران شهری، پاسخگویی مدیران شهری، باورمسئولین به توانایی مردم در مشارکت و مدیریت شهری و فراهم‌سازی زمینه مشارکت مردم توسط مدیران شهری با مقدار $\text{sig} = 0/00$ با متغیر جلب مشارکت شهروندان در شهر رشت دارای رابطه معنی‌دار می‌باشند. سپس از آزمون ناپارامتریک Fridman جهت رتبه بندی عوامل و متغیرهای هر عامل استفاده شده است

نتایج: نتایج این پژوهش نشان داد که از بین عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان، عوامل مدیریتی و سیاسی با مقدار ۲/۱۳ حائز رتبه اول، عوامل اجتماعی ۱/۹۶ در رتبه دوم و عوامل فردی با مقدار ۱/۹۲ در رتبه سوم قراردارند به منظور بررسی تفاوت دیدگاه‌ها در مناطق پنجگانه شهر رشت از آزمون ناپارامتریک کروسکال والیس استفاده گردید که باتوجه به مقادیر معناداری در بین تمامی عوامل و متغیرهای مرتبط با آنها که جملگی بیش از مقدار ۰/۰۵ بودند مشخص گردید که هیچگونه تفاوت معناداری در بین دیدگاه‌های پاسخگویان در مناطق مختلف شهر رشت ملاحظه نمی‌گردد.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی تطبیقی، شاخص‌های مشارکت، شهروندان، رشت

مقدمه

در سال‌های اخیر همواره در محافل علمی و سیاسی کشور موضوع مشارکت شهروندان در امور شهرها در صدر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشته و همگان از آن به عنوان عنصری مهم در جهت رسیدن به دموکراسی و تحقق توسعه پایدار سخن رانده‌اند. اگرچه سابقه شکل‌گیری این مباحث به حوادث بعد از انقلاب مشروطیت بر می‌گردد اما ظهور مفاهیم جدیدی از قبیل جامعه مدنی، مقتدرسازی، شایسته‌سالاری، شهروندی و غیره همگی نشان از اهمیت روزافزون این مباحث در نزد افکار عمومی به‌ویژه دست‌اندرکاران امور کشوری دارد.

مفهوم مشارکت ابتدا در قلمروهای مختلف اقتصادی و صنعتی جهت تشریک مردم در امور مالکیت مطرح شد اما به تدریج معنای مشارکت به تمامی ابعاد زندگی بشر کشیده شد به طوری که امروزه مشارکت به عنوان امری اساسی جهت دخالت آگاهانه و واقعی مردم در تعیین سرنوشت خویش در تمامی عرصه‌های زندگی وارد گشته است. تازه‌ترین زمینه‌های مشارکت، مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهاست. این مشارکت یکی از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهروندی از حالت فردی که صرفاً در مکانی به نام شهر زندگی می‌کنند بیرون آیند و به شهروند بدل شوند.

آنچه امروزه توسعه و بهره‌وری خدمات شهری را تضمین می‌کند، مشارکت کلیه شهروندان در فعالیت‌های شهری است که می‌تواند مشروعیت، مقبولیت و رضایتمندی شهروندان را برای مدیریت شهری توأمان به ارمغان آورد (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۱). مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری باید داوطلبانه و هدفمند صورت گیرد. برنامه‌ریزان شهری نخست باید بر مشارکت ذهنی و تغییر در باورها و گرایش‌های شهروندان تأکید نمایند. رفتار مشارکتی در برنامه‌ریزی شهری نیز باید در دو بخش انجام شود. در مرحله اول باید شناخت عوامل تأثیرگذار در مشارکت شهروندی، مورد توجه قرار گیرد و در مرحله دوم حفظ مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌هایی است که اجرا شده است. جلب مشارکت کلیه آحاد و تعیین سازوکارهای مشارکتی آنان در حوزه‌های گوناگون می‌تواند کارایی و بهره‌وری مدیریت شهری را افزایش دهد. بنابراین مشارکت شهروندی دارای ابعاد گوناگون است و هر یک از این ابعاد جنبه‌ای از مشارکت را توصیف و تبیین می‌کند. مشارکت شهروندی برنامه‌های شهری را مشروعیت می‌بخشد و آن را نهادینه می‌سازد (شیانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۶) و می‌تواند در راستای عدالت اجتماعی و بازسازی فضای شهری بسیار کارآمد نمایان شود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۲) بنابراین در این فرآیند، مشارکت نه تنها هزینه محسوب نمی‌شود بلکه به ارتقاء کیفیت زندگی، آرامش و آسایش شهروندان منجر می‌شود (موسوی، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

تجارب و موارد متعددی دال بر ضرورت مشارکت در امور خویش وجود دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تطابق برنامه‌های مدیریت شهری با نیازها و خواسته‌های مردم

- عدم توانایی مالی دولت‌ها

- پیچیدگی فزاینده زندگی شهری

- جلوگیری از وابستگی جامعه به دولت

- درس گرفتن از روندهای توسعه در دهه‌های گذشته (قلی پور، ۱۳۹۱: ۹-۱۰)

مشارکت اجتماعی پدیده‌ای چندبعدی است که تحقق آن نیازمند شرایط و الزامات خاصی است. به عبارتی دیگر مشارکت شهروندان متأثر از عوامل ساختاری، میانی و خرد است (شیانی، ۱۳۹۱: ۲۲۴-۲۲۵). برای دستیابی به مشارکت مردمی به وجود مجموعه‌ای از عوامل نیاز است که مهمترین آنها عبارتند از:

- اعتقاد به مشارکت: قبل از مشارکت باید اخلاق دموکراتیک در جامعه نهادینه شده و به عنوان فرآیندی پویا در جامعه واقعیت پیدا نماید. فقدان اعتقاد به مشارکت مهمترین مشکل مشارکت در کشورهای جهان سوم است. در این کشورها قدرت در دست نخبگان سیاسی، اقتصادی و محلی است. در این صورت امکان مشارکت مردم و ایجاد دموکراسی در جامعه فراهم نبوده است لذا اولین قدم تقسیم قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بین مردم است. برای ایجاد باور عمومی به مشارکت باید سه اقدام صورت گیرد:

۱. تقسیم عادلانه قدرت بین مردم: بدون تقسیم عادلانه قدرت سیاسی و اجتماعی امکان مشارکت گروه‌های ضعیف در جامعه وجود ندارد.

۲. ایجاد روحیه خوداتکایی در مردم: فهم مشارکت فقط با تشویق به خوداتکایی و افزایش اعتماد به نفس در مردم انجام می‌شود تغییر گرایش‌های مردم در این راستا ضرورتی حیاتی برای مشارکت و توسعه است.

۳. اقدامات گروهی و تشکیل انجمن: گروه‌های ضعیف جامعه به صورت فردی، خود را ناتوان در مشارکت در طرح‌ها می‌بینند اما هنگامی که به صورت گروهی وارد عمل می‌شوند، تمایل بیشتری به مشارکت دارند.

- بعد سازمانی مشارکت و وجود موسسات مشارکتی: اولین مسأله بعد از ایجاد باور عمومی به مشارکت، ایجاد موسسات مشارکتی است. این موسسات یک هدف عمده دارند و آن تعامل قدرت در سطوح بالا و گسترش آن در سطوح پایین جامعه است. نقطه شروع چنین حرکتی تمرکززدایی است که معمولاً با مخالفت‌هایی از طریق ساختار مدیریتی بالادست روبه‌رو می‌شود. تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد و شرکت‌های تعاونی تحت کنترل خود مردم، عامل مهمی در گسترش مشارکت مردمی است.

- فراهم نمودن اطلاعات کافی و ایجاد شبکه اطلاع‌رسانی: بدون وجود اطلاعات فنی حتی اگر موسسات مشارکتی باشند، مشارکت اتفاق نمی‌افتد. دو نوع اطلاعات مورد نیاز مردم در فرآیند مشارکت به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

- اطلاعات فنی: این اطلاعات شامل مهارت‌ها و مسائل گوناگونی است که مردم باید برای اجرای یک پروژه ویژه بدانند. اطلاعاتی که به طور عموم به مردم کمک نمایند تا محیط اطراف خود را بهتر بشناسند و ظرفیت‌های خود را برای حل مسائل بدانند. کارایی این اطلاعات به سطح سواد جامعه بستگی دارد.

- اطلاعات مدیریتی: این اطلاعات متضمن این است که مردم چگونه و چه وقت باید در پروژه‌ها مشارکت کنند و آنها را اجرا نمایند. اطلاعات مدیریتی شامل اطلاعاتی است که به نظارت و اجرای پروژه کمک می‌کند.

- دسترسی به منابع فنی و اعتباری: علاوه بر مواردی که به آنها اشاره شد، برای مشارکت، به نیروی انسانی و بودجه کافی نیاز است. بسیاری از موارد مردم باید به درجاتی از توانایی مادی برسند تا بتوانند در فعالیتی مشارکت نمایند. برای سوق دادن مردم به مشارکت، عواملی چون تحرک بخشیدن به سرمایه‌های راکد در سطح خرد و کلان، سهولت پرداخت وام، آموزش، نظارت و راهنمایی مسئولانه و تأمین اعتبارات نقش مهمی ایفا می‌کند. تماس دائم مردم، استفاده از آموزش بزرگسالان در ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت تأثیر مهمی دارد. بنابراین قبل از هر چیز باید به نیازهای مردم شهر توجه شود و نیازها با نظرخواهی از مردم اولویت‌بندی شوند (جمشیدزاده، ۱۳۹۱: ۱۰۲-۱۰۳).

مشارکت مفهوم جدیدی نیست و ریشه‌های آن را میتوان در دولت شهرهای یونان باستان جستجو کرد، اما سابقه تفکرات مشارکت جویانه در حوزه تصمیم‌گیری شهری به منشور (آتن ۱۹۳۳) بر می‌گردد (حبیبی و رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۶). ولی ظهور عینی مفهوم مشارکت در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی در واکنش به نارسایی‌های طرح‌های توسعه شهری آن زمان مطرح شد. برنامه‌ریزی مشارکتی پیشنهادی است برای نهادینه کردن حضور شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری که با کمک خواستن از شهروندان برای اجرای طرح‌های شهری و دخالت دادن آنها در تصمیم‌گیری جایگزین برنامه ریزی متمرکز شده است. که حضور شهروندان در عرصه تصمیم‌گیری و نزدیکی و هماهنگی آنها با مسئولان و متخصصان، باعث می‌شود که هر چه سریع‌تر به خواسته‌ها و نیاز هایشان مطابق با شرایط زندگی و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی از طریق فرآیند شهرسازی مشارکتی دست یابند. جوهره مفهوم مشارکت در شهرسازی، خلق فضا‌های هر چه مطلوب‌تر و پایدار برای ساکنین محلی است (مشهدی زاده و دهقانی، ۱۳۸۵: ۴۰). از این رو با توجه به اهمیت مقوله مشارکت و ضرورت همکاری و مشارکت شهروندان در اداره امور شهری در این تحقیق تلاش شده است تفاوت دیدگاه‌های شهروندان شهررشت در مناطق مختلف رادری خصوصاً تأثیرگذاری عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان را مورد تحلیل و مقایسه قرار دهد. بنابراین در این تحقیق تلاش می‌شود تا به پرسش‌هایی از قبیل وجود یا عدم وجود رابطه بین متغیرهای تحقیق، مهمترین عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان کدام اند و آیا تفاوت معناداری بین دیدگاه پاسخگویان در مناطق پنجگانه شهررشت وجود دارد، پاسخ دهد.

مشارکت به معنای به کارگرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۲) از دیدگاه دیویس مشارکت درگیر شدن ذهنی و عاطفی کارکنان در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا به هدف‌های گروه یاری دهند و برای رسیدن به آنها احساس مسئولیت کنند (توسی، ۱۳۸۲: ۳۳) همچنین می‌توان مشارکت را فرآیند سازمان‌یافته‌ای دانست که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر گرفتن هدف‌های معین و مشخص به منظور سهیم شدن در منابع لازم برای حفظ معیشت و کنترل آن صورت می‌گیرد (قلی‌پور، ۱۳۹۱: ۹) بنیادی‌ترین اندیشه مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن، همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیّت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (وحید، ۱۳۸۳: ۱۰). براساس مطالعات بعمل آمده مشارکت به انواع مشارکت ابزاری، مشارکت تحمیل شده و مشارکت توسعه‌ای تقسیم می‌شود (مهدی زاده، ۱۳۸۳: ۶۸).

در بررسی دیدگاه‌ها و نظریه‌های مشارکت دو رویکرد عمده نگرش خرد و نگرش کلان قابل تشخیص می‌باشد. در سطح خرد بر انگیزه، گرایش و رفتار مشارکت تأکید می‌شود و در سطح کلان زمینه‌ها و شرایط و عناصر ساختاری مورد توجه قرار می‌گیرند. کنش مشارکتی به دو بخش ذهنی و رفتاری تقسیم شده که بخش ذهنی، تمایلات و گرایش‌های فردی را دربر می‌گیرد و در بخش رفتاری انجام فعالیت‌های داوطلبانه جمعی را مد نظر دارد (موسوی، ۱۳۹۰: ۱۲۶). مکتب‌های جامعه‌شناسی، با توجه به چشم‌اندازهای خود تعابیر متفاوتی را از مشارکت اجتماعی ارائه داده‌اند. مکتب ساختارگرایی باور دارد که مشارکت اجتماعی مردم، جزئی از ساخت اجتماعی هر جامعه‌ای را شکل می‌دهد. بنابر باور اندیشه‌ورزان این مکتب، مشارکت اجتماعی توده مردم، ساخت‌های اجتماعی را حفظ می‌کند و باعث بقا و ادامه حیات آن‌ها می‌شود. مکتب کارکردگرایی به نقش‌ها و کارکردهایی توجه دارد که مشارکت افراد یا گروه‌ها در جامعه باعث پدید آمدن آنها می‌شود. دیدگاه‌های فرهنگی، جنبه‌های پویای مشارکت به‌ویژه مجموعه‌ای از ارزش‌ها که مانع یا مشوق مشارکت اجتماعی می‌شوند، بررسی می‌کند. دیدگاه‌های روان‌شناختی افزایش مشارکت در جامعه را ناشی از تغییر در نگرش، اندیشه و شخصیت افراد می‌داند (زاهدانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲). بنابراین و بطور خلاصه مبانی فکری مدیریت مشارکتی را می‌توان در تئوری دموکراسی، تئوری سوسیالیستی و در تئوری کلاسیک و انسان‌گرایان مدیریت مشاهده نمود (صادقی فرد و همکاران، ۱۳۸۲: ۵).

در حوزه مسائل شهری نیز از دهه ۱۹۶۰ میلادی نظریه‌های زیادی در زمینه برنامه‌ریزی مشارکتی و شهرسازی مشارکتی مطرح شده که در این ارتباط می‌توان به نظریه جیمز میجلی اشاره کرد که مشارکت را در چهار دسته شیوه ضد مشارکتی، شیوه مشارکت هدایت شده، شیوه مشارکت فزاینده و مشارکت واقعی تقسیم بندی کرده است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۴). تئوری مشارکت ارنشتاین ارنشتاین مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی به کار می‌برد. مدل ارنشتاین قدرت اختصاص یافته به مردم را در قالب نردبان مشارکت نشان می‌دهد (رهنما، ۱۳۸۸: ۱۷۲) اسکات دیویدسون: سطوح مختلفی از مشارکت را در غالب گردونه مشارکت، بدون این که ترجیحی برای مشارکت کنندگان در نظر بگیرد ارائه می‌کند. که سطوح چهارگانه مشارکت از نظر دیویدسون عبارتند از: اطلاع رسانی، مشاوره، مشارکت و توانمند سازی (شریفیان، ۱۳۸۰: ۴۷) دیوید دریکسل مشارکت را در دو دسته مشارکت (مشاوره، بسیج اجتماعی، مسئولیت پذیری مردم و سهمین شدن در تصمیمات) و عدم مشارکت (دست کاری و تقلب، تزیین و مساوات طلبی نمایشی) دسته بندی می‌نماید (حبیبی و رضوانی، ۱۳۸۴: ۴) در این ارتباط، عواملی که در گسترش ایده مشارکت در مدیریت شهری نقش داشته‌اند عبارتند از:

- پیدایش نظام‌های مردم‌سالار و اهمیت یافتن نقش مردم در اداره امور
- درس گرفتن از روندهای توسعه شهری در دهه‌های گذشته
- عدم تطابق طرح‌های شهری با نیازها و خواست‌های مردم
- توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تضمین منافع شهروندان
- پیچیدگی فزاینده زندگی شهری و اخلاق اجتماعی برنامه‌ریزی
- در سطح یک شهر مشارکت به سه صورت قابل تقسیم‌بندی است:
- مشارکت شهروندان در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری امور شهر
- مشارکت در حفظ و نگهداری شهر
- مشارکت در ارتقاء و توسعه کمی و کیفی فضاها و عمومی شهری
- ضرورت و اهمیت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری را می‌توان این‌گونه خلاصه نمود:
- مشارکت شهروندان منجر به استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود و نیروهای توانمند شهر می‌گردد.
- مشارکت، موجب افزایش شور و شوق مردم برای فعالیت هر چه بیشتر در امور شهری شده و در نتیجه قدرت سازندگی شهروندان و مدیران شهری را تقویت می‌کند
- مشارکت در مدیریت شهر موجب افزایش نوآوری و ابتکار می‌شود. زیرا مردم به واسطه قرار گرفتن در بطن امور (فرآیند زندگی شهری)، درمی‌یابند که چگونه خواسته‌های خود را شناسایی و سپس اولویت‌بندی نموده و سرانجام راه حل‌های پیشنهادی را ارائه نمایند.
- به واسطه مشارکت مردم در فرآیند مدیریت شهری، مدیران بهتر می‌توانند مسایل و نارسایی‌های موجود در شهر را شناخته و در جهت رفع آنها اقدامات لازم را به عمل آورند.

- مشارکت، توانایی شهروندان را بسط و گسترش می‌دهد.
- مشارکت، موجب تقویت حس تعلق مکانی و اجتماعی شهروندان به شهر و زندگی شهری می‌شود.
- مشارکت حس اعتماد و همکاری میان شهروندان و نظام مدیریت شهری را تقویت می‌نماید.
- مشارکت، ساز و کارهای دموکراسی شهری را از طریق تحقق وظایف و حقوق شهروندی و مدیریت شهری تقویت می‌کند (زالی، ۲۰۱۳: ۳۰)

با توجه به اهمیت و ضرورت مقوله مشارکت در فرآیند مدیریت شهری و عوامل مؤثر بر آن در سالیان اخیر تحقیقات زیادی به عمل آمده است که به چند نمونه از آن‌ها در ادامه اشاره می‌گردد. منوچهر محسنی وعذرا جاراللهی در کتاب مشارکت اجتماعی در ایران (۱۳۸۲) گزارشی را در سطح ملی درباره برخی از ابعاد روابط و مشارکت اجتماعی در ایران که بر اساس یافته‌های طرح بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی ارائه کرده‌اند. در کتاب هشت موضوع، در حوزه رفتارهای ساکنان مناطق نمونه شهری ایران، در زمینه ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افراد در قلمرو روابط و مشارکت اجتماعی تجزیه و تحلیل شده است. صادقی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان تبیین ساختاری - کارکردی مدیریت مشارکتی شهری (مطالعه موردی: شهرمشهد) عنوان می‌کنند که در هر نیمه از بالا به پایین (سازمان‌های شهری) و از پایین به بالا (شورای شهر و شهرداری) در ساختار مدیریت شهری مشهد به طور همزمان و هم‌تراز فعالیت دارند (دوگانگی ساختاری) به گونه‌ای که نیمه از بالا به پایین یک کارکرد به نسبت غیرمشارکتی و نیمه از پایین به بالا یک کارکرد نسبی مشارکتی را از خود آشکار می‌کند (دوگانگی کارکردی). موسایی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان بررسی مشارکت شهروندان در امور شهری (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیدند که مشارکت شهروندان به طور اعم در ایران و به طور اخص در تهران دارای موانع ساختاری، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی - مدیریتی، حقوقی و فضایی است. علیرغم موانع موجود، نقاط قوت و فرصت‌های زیادی نیز جهت ایجاد و تقویت مشارکت شهروندان در امور شهری وجود دارد. بعلاوه ضعف‌ها و تهدیدهای مشارکت از سوی شهروندان و مدیریت شهری، مشارکت را تحت تأثیر قرار داده است. هنوز ضرورت مشارکت در امور شهری از سوی مدیران شهری و شهروندان احساس نمی‌شود. مشارکت شهروندان عمدتاً صورتی، سمبلیک و نمادین است. تحقیق دیگر با عنوان مدیریت شهری و تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری که توسط زاهد زاهدانی و همکاران در سال ۱۳۹۱ به انجام رسیده نشان می‌دهد که شهرداری‌ها در جامعه ما بیشتر به عنوان یک سازمان خدماتی مطرح است. و اگر شهرداری بخواهد خود را به عنوان یک نهاد اجتماعی فعال مطرح نماید به دو پیش‌نیاز احتیاج دارد: نخست اینکه نهاد اجتماعی شهرداری در عین وابستگی متقابل با ۵ نهاد اصلی جامعه، تا حدودی نیز باید دارای استقلال کارکردی باشد. دومین پیش‌نیاز اینکه مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری است و بدین طریق است که این نهاد می‌تواند در همه شهروندان نهادینه شود. طرح مطالعاتی با عنوان مشارکت‌های مردمی و امور شهری (بررسی موانع، مشکلات و راهکارهای توسعه مشارکت‌های مردمی) از جمله طرح‌هایی است که در دو بخش توسط غلامرضا غفاری و ابراهیم جمشیدزاده در سال ۱۳۹۰ به انجام رسیده است. در بخش اول این طرح ظرفیت‌های شهرداری تهران برای جلب مشارکت مردم در امور شهری و راهکارهای توسعه آن طی ۶ فصل و در بخش دوم موانع و مشکلات فرهنگی - اجتماعی شهرداری تهران در جلب مشارکت‌های مردمی در امور شهری نیز در ۶ فصل به صورت کامل مورد بحث و مطالعه قرار دادند. علیزاده و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری (نمونه موردی منطقه ۱۰ شهرداری مشهد) به این نتیجه رسیدند که نقش مردم در اداره امور شهر (منطقه ۱۰ شهرداری مشهد) به ترتیب اولویت در مشارکت ذهنی - معنوی با ۴۲ درصد، مشارکت سیاسی با ۳۴ درصد، مشارکت فیزیکی با ۲۷ درصد، مشارکت مالی با ۲۳ درصد و مشارکت ابزاری با ۳ درصد در رتبه‌های اول تا پنجم قرار گرفتند. میزان مشارکت کلی که حاصل تلفیق میزان مشارکت در نقش‌های پنجگانه فوق بود نیز با ۲۶ درصد مشارکت نسبتاً کم ارزیابی گردید. نتایج تحقیق زالی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان تحلیلی بر عملکرد مدیریت شهری شهر مهاباد از منظر مشارکت و رضایتمندی شهروندی عبارت بود از اینکه عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری می‌توانند به چهار بعد فردی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی تقسیم شوند. تأثیرگذارترین شاخص در بعد فردی، سلامت جسمی و روحی شهروندان و در ابعاد دیگر به ترتیب، بعد اجتماعی، تعلق مکانی، در بعد اقتصادی، سودآوردن فعالیت مشارکتی و در بعد مدیریتی، اعتماد نهادی است.

طرح مطالعاتی با عنوان بررسی مشارکت شهروندان در امور شهری منتشر شده توسط مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران مردادماه ۱۳۹۱ که توسط قلی‌پور و همکاران به انجام رسیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد میزان مشارکت عینی و تمایل به مشارکت در شهر تهران در سطح پایینی است و اضافه می‌کنند که بافت کالبدی و فضای شهر تهران به گونه‌ای است که کشش

مشارکت در مناطق و محله‌های تهران را در سطح پایینی نگه می‌دارد. همچنین در این مقاله راهبردهایی متفاوت برای افزایش مشارکت‌پذیری در تهران به شرح ذیل ارائه می‌دهند که عبارتند از:

- الزامات سازمانی مشارکت (تصویب قانون مشارکت شهری)

- راهبردهای پایه‌ای مشارکت

- راهکارهای مسیرسازی طرح‌های مشارکت شهری

- و در نهایت چندین نمونه کلیدی از الگوهای عملیاتی مشارکت در تهران.

دلپویو و همکاران (۲۰۱۸) مشارکت شهروندان را در فرآیند مدیریت و برنامه‌ریزی شهری مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها روی نقش بکارگیری فن‌آوری‌های نوین در مشارکت شهروندان تمرکز کرده‌اند. نتیجه کار آن‌ها روی اشکال تازه‌ای از ارتباطات را معرفی می‌کند که منجر به تسهیل شدن جریان اطلاعات میان بخش اجرایی شهر و شهروندان می‌شود. ویلسون و همکاران (۲۰۱۷) مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری را از طریق توسعه دیجیتال و فن‌آوری مورد مطالعه قرار دادند. هدف آن‌ها طراحی نرم‌افزار یا APP است که بتواند رابطه شهروندان را با مدیران اجرایی سرعت بخشد. مایکل لنگ (۱۹۸۷) در پژوهشی به مطالعه مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری پرداخته است. هدف وی ایجاد پل ارتباطی میان مسئولین شهری و مردم در اداره امور شهر بوده است. وی در مطالعه خود تأکید اصلی را روی رسانه‌ها قرار داده و معتقد است در دنیای امروز رسانه‌ها می‌توانند نقش عمده‌ای بازی کنند. ملیحه شیانی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری تهران (۱۳۹۱) به دنبال پاسخگویی به دو سؤال اساسی است: مشارکت شهروندان در امور شهری چه جایگاهی دارد و عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری کدام‌اند. برای پاسخ به پرسش اول، مشارکت شهروندی از جنبه ذهنی بررسی شده است و جهت پاسخگویی به پرسش دوم رفتار مشارکت، در حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی بررسی شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری باید داوطلبانه و هدفمند صورت گیرد. و از دیگر منابع؛ مقاله‌ای با عنوان تأملی در مورد رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان می‌باشد که توسط وحیدا و همکاران در سال ۱۳۸۳ به چاپ رسید. از نتایج این تحقیق وجود نوعی همبستگی معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین دو متغیر ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی است. عزیززاده اقدم و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان نهادهای شهری و مشارکت شهروندان در اداره امور شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان) عنوان کردند که عوامل بسیاری بر مشارکت مردم در امور شهری تأثیرگذارند که در این مقاله تأثیر نهادهای شهری بر مشارکت شهروندان در امور شهری مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد بیشتر شهروندان اصفهانی، مشارکت بالایی در امور شهری داشته‌اند و رابطه معناداری بین اعتماد نهادی و رضامندی اجتماعی با مشارکت وجود دارد. و در مجموع، عملکرد نهادهای شهری بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری تأثیرگذار بوده است. حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی شهرکرد) به این نتیجه رسیده‌اند که مؤلفه‌های رضایت شهروندان، سیاست‌های انگیزشی، اعتماد اجتماعی و نوع فعالیت شهرداری رابطه معناداری با مشارکت مردم دارد و از بین متغیرهای زمینه‌ای فقط بین سن و رضایت شهروندان همبستگی وجود دارد. مقاله تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری: مطالعه موردی منطقه ۴ شهر تبریز تقوایی و همکاران (۱۳۸۸) به این نتیجه رسیده است که ارزیابی شهروندان از پیامدهای مشارکت مثبت می‌باشد، هرچه میزان رضایتمندی افراد از خدمات‌رسانی مدیران شهر بیشتر باشد به همان میزان تمایل به مشارکت در مدیریت شهری افزایش می‌یابد، هر چه احساس مالکیت یعنی مدت زمان سکونت و نوع مالکیت (ملکی) بیشتر باشد به همان اندازه مشارکت افزایش پیدا می‌کند، و اینکه وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهروندان بر میزان مشارکت تعیین کننده است. انصاری و همکاران در مقاله خود با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی، منطقه ۱۳ شهر اصفهان) که در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسید نتیجه می‌گیرند که رابطه معناداری بین متغیرهای مستقل (اعتماد نهادی، رضایت اجتماعی، امنیت اجتماعی و مدت زمان سکونت) با مشارکت وجود دارد. مقاله‌ای با عنوان تحلیلی بر عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری (مطالعه موردی: شهر مریوان) که توسط عزیززاده اصل و همکاران در سال ۱۳۹۲ به انجام رسید. نتیجه می‌گیرد که بین جنسیت، میزان تحصیلات، نوع مالکیت شهروندان و پایگاه اقتصادی - اجتماعی شهروندان و میزان تمایل به مشارکت رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است، بر اساس هدف، پژوهش حاضر از جمله تحقیقات کاربردی به حساب می‌آید که به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. به‌طور کلی جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پژوهش حاضر به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی، انجام شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل ۶۷۹۹۹۵ نفر جمعیت شهر رشت می‌باشد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان، ۱۳۹۵). برای تعیین حجم نمونه در تحقیق حاضر از فرمول کوکران استفاده شده است. باتوجه به فرمول مذکور تعداد نمونه محاسبه شده با سطح پنج درصد خطا ۳۸۴ نفر تعیین گردید. تعداد نمونه‌های محاسبه شده نیز در این تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی مناسب با حجم به شرح ذیل بین ۵ منطقه تعیین و توزیع گردیدند.

جدول ۱. ابعاد، مؤلفه‌ها و نماگرهای زیست‌پذیری کانون‌های اسکان عشایری

منطقه	جمعیت	حجم نمونه
۱	۱۶۷۳۰۴	۹۴
۲	۸۶۳۵۸	۴۹
۳	۱۴۸۹۵۵	۸۴
۴	۱۹۴۳۲۷	۱۱۰
۵	۸۳۱۵۱	۴۷
جمع	-	۳۸۴

بنابراین به‌طور کلی تعداد حجم نمونه تحقیق حاضر ۳۸۴ فقره پرسشنامه می‌باشد که بین افراد بالای ۲۵ سال و به شرح جدول (۱) بین مناطق پنجگانه شهر رشت توزیع و تکمیل شده است. در پژوهش حاضر، به‌منظور اعتبارسنجی پرسشنامه ابتدا از روش اعتبار صوری استفاده شده است، بدین‌گونه که پرسشنامه در اختیار افراد متخصص قرار گرفته و با تأسی از نقطه نظرات آنان اعتبار پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت. همچنین علاوه بر روش اعتباریابی صوری از آزمون آلفای کرباخ جهت سنجش میزان اعتبار سؤالات پرسشنامه استفاده شده است که باتوجه به رقم به‌دست آمده ۰/۹۱۵ مشخص می‌نماید که سؤالات پرسشنامه از روایی برخوردار می‌باشند. در فرآیند آزمون فرضیات این تحقیق؛ به دلیل غیرنرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی نرمال و یا غیرنرمال بودن داده‌ها استفاده گردید. جهت بررسی رابطه بین متغیرها باتوجه غیرنرمال بودن توزیع داده‌ها از یکسو و از سوی دیگر کیفی بودن متغیرها از آزمون Spearman استفاده می‌شود سپس از آزمون ناپارامتریک Fridman جهت رتبه بندی عوامل و متغیرهای هر عامل استفاده شد و جهت بررسی تفاوت دیدگاه هادرمناطق پنجگانه شهر رشت از آزمون ناپارامتریک کروسکال والیس بهره برداری گردید. به منظور انجام این تحقیق از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

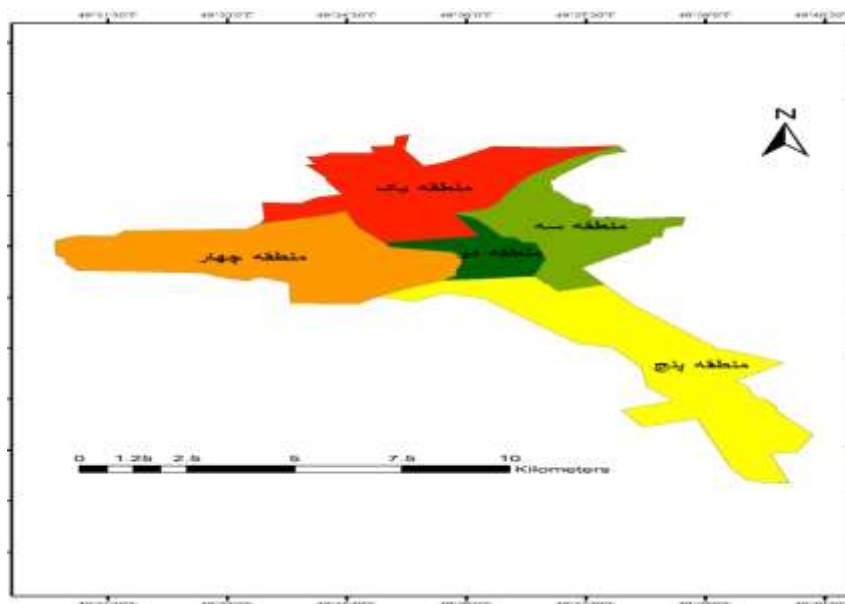
قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهر رشت در ۴۹ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۱۶ دقیقه عرض شمالی و در فاصله ۳۲۵ کیلومتری شمال غربی از تهران واقع شده است. همچنین شهر رشت با مساحت ۱۸۰ کیلومتر در زمینی مسطح و هموار به ارتفاع به‌طور میانگین ۵ متر از سطح آب‌های آزاد قرار دارد رشت، یکی از کلان شهرهای ایران، مرکز استان گیلان، مرکز شهرستان رشت است. این کلانشهر همچنین بزرگترین و پرجمعیت‌ترین شهر شمال ایران در بین سه استان حاشیه دریای خزر، بزرگترین سکونتگاه سواحل جنوبی دریای کاسپین محسوب می‌شود. رشت سومین شهر گردشگرپذیر ایران است. آب و هوای رشت از جمله آب و هوای معتدل کاسپین و شبه‌مدیترانه‌ای است که دارای تابستان‌های گرم و شرجی و زمستان‌های سرد و مرطوب است. همچنین شهر رشت دارای رتبه اول میزان بارش مراکز استان‌های ایران و به شهر باران شهره است. بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جمعیت شهر رشت ۶۷۹۹۹۵ نفر معادل ۲۲۸۱۴۸ خانوار می‌باشد. از مجموع ۶۷۹۹۹۵ نفر جمعیت شهر ۳۳۶۳۱۳ نفر مرد ۳۴۳۶۸۲ نفر زن می‌باشند. (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) شهر رشت دارای پنج منطقه شهرداری ۵۵ محله است (طرح توسعه محلات شهر رشت، شهرداری رشت: ۱۳۹۵) که در جدول (۱) مناطق پنجگانه و جمعیت ساکن در آن رامشخص می‌سازد.

جدول ۲. جمعیت شهر رشت و مناطق ۵ گانه آن در سرشماری ۱۳۹۵

نام منطقه	خانوار	جمعیت	مرد	زن
رشت	۲۲۸۱۴۸	۶۷۹۹۹۵	۳۳۶۳۱۳	۳۴۳۶۸۲
منطقه ۱	۵۷۱۵۵	۱۶۷۳۰۴	۸۱۵۶۲	۸۵۷۴۲
منطقه ۲	۳۰۲۲۵	۸۶۳۵۸	۴۱۷۱۳	۴۴۶۴۵
منطقه ۳	۵۰۲۶۶	۱۴۸۹۵۵	۷۴۴۸۵	۷۴۴۷۰
منطقه ۴	۶۳۶۶۱	۱۹۴۲۲۷	۹۷۱۶۶	۹۷۰۶۱
منطقه ۵	۲۶۸۳۵	۸۳۱۵۲	۴۱۱۸۸	۴۱۷۶۴

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن/نتایج سرشماری/جمعیت به تفکیک تقسیمات کشوری سال ۱۳۹۵/www.amar.org.ir



شکل ۱. مناطق پنجگانه شهری رشت

یافته‌ها و بحث

یافته‌های توصیفی

ویژگی‌های عمومی پاسخ‌گویان پژوهش حاضر از نظر وضعیت جنسی، سنی و سطح تحصیلات در جدول (۳) ارائه می‌گردد.

جدول ۳. ویژگی‌های عمومی پاسخ‌گویان

متغیر	فراوانی	درصد	
جنسیت	مرد	۲۸۵	۷۴/۱۵
	زن	۹۹	۲۵/۸۵
سن	۲۵-۳۴	۴۲	۱۰/۷
	۳۵-۴۴	۱۳۹	۳۶/۳
	۴۵-۵۴	۱۶۳	۴۲/۶
	۵۵ به بالا	۴۰	۱۰/۴
تحصیلات	خواندن و نوشتن ابتدایی	۳	۰/۸
	راهنمایی	۲۰	۲/۵
	دیپلم	۴۳	۱۱/۲
	فوق دیپلم	۲۷	۷
	لیسانس	۱۴۸	۳۸/۳
	فوق لیسانس	۱۲۳	۳۲/۳
دکتر	۲۰	۲/۵	

براساس نتایج جدول (۳) بیشترین پاسخ‌گویان را مردان تشکیل می‌دهند به‌طوری‌که ۷۴/۱۵ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۲۵/۸۵ درصد زن می‌باشند. همان‌گونه که در جدول (۳) مشخص است بیشترین تعداد پاسخ‌گویان با ۴۲/۶ درصد کل پاسخ‌گویان در گروه سنی ۴۵ تا ۵۴ سال قرار دارند. پس از آن بیشترین گروه سنی پاسخ‌گویان افراد ۳۵ تا ۴۴ سال هستند. افراد واقع در گروه‌های سنی ۲۶ تا ۳۴ سال و بیش از ۵۵ سال نیز با نسبت نزدیک به هم به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همچنین جدول (۳) نشان می‌دهد که ۳۸/۳ درصد پاسخ‌گویان دارای مدرک تحصیلی لیسانس هستند، که بیشترین تعداد پاسخ‌گویان را شامل می‌شود. پس از آن وباختلاف کم افراد بامدرک تحصیلی فوق لیسانس با ۳۲/۳ درصد در رتبه بعدی قرار گرفته‌اند.

یافته‌های تحلیلی

جدول (۴) نتایج توصیفی حاصل از داده‌های پرسشنامه را نمایش می‌دهد که در آن دیدگاه پاسخ‌دهندگان در خصوص عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در اداره امور شهر در شهر رشت مشخص شده است. بر اساس نظر ۳۸۴ نفر از پاسخ‌گویان این تحقیق درخواست شد تا نظر خود را در ارتباط با تأثیرگذاری عوامل فردی، اجتماعی و مدیریتی و سیاسی و متغیرهای مرتبط با عوامل که در جدول مشخص است در قالب طیف ۵ گزینه‌ای هیچ، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد تعیین نمایند مقایسه میانگین وزنی عوامل تأثیرگذاری بر مشارکت شهروندان در شهر رشت نشان می‌دهد که در بین عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان عوامل مدیریتی و سیاسی با ۳/۶۲ در رتبه اول قرار دارد و عوامل اجتماعی و فردی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در بین عوامل فردی متغیر میزان تأثیرگذاری سطح تحصیلات، از بین عوامل اجتماعی متغیر میزان تأثیرگذاری رضایت اجتماعی با میزان ۳/۵۶ و در میان عوامل مدیریتی و سیاسی متغیر فراهم‌سازی زمینه مشارکت مردم توسط مدیران شهری با مقدار ۳/۶۲ بعنوان مهمترین عوامل تعیین می‌شوند.

جدول ۳. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	هیچ	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
میزان تأثیرگذاری عوامل فردی	۷۶	۴۲	۷۴	۹۷	۹۵	۳/۲۴
میزان تأثیرگذاری وضعیت تاهل	۴۰	۵۳	۱۳۵	۱۱۰	۴۶	۳/۱۸
میزان تأثیرگذاری سن	۴۲	۳۸	۱۳۸	۱۲۰	۴۶	۳/۲۳
میزان تأثیرگذاری جنسیت	۳۷	۴۶	۱۱۴	۱۳۶	۵۱	۳/۳۱
میزان تأثیرگذاری میزان تحصیلات	۲۴	۴۰	۱۰۸	۱۵۳	۵۹	۳/۴۸
میزان تأثیرگذاری عوامل اجتماعی	۵	۲۸	۱۷۴	۱۶۱	۱۶	۳/۴۰
میزان تأثیرگذاری حس مسئولیت اجتماعی	۵۳	۵۷	۱۱۲	۱۱۴	۴۸	۳/۱۲
میزان تأثیرگذاری انسجام اجتماعی	۲۹	۴۱	۱۰۳	۱۴۲	۶۹	۳/۴۷
میزان تأثیرگذاری اعتماد به مسئولین شهر	۳۰	۲۸	۱۳۳	۱۳۸	۵۵	۳/۴۲
میزان تأثیرگذاری رضایت اجتماعی	۲۸	۲۹	۱۰۰	۱۵۳	۷۴	۳/۵۶
میزان تأثیرگذاری عوامل مدیریتی و سیاسی	۱۰	۱۸	۱۲۵	۱۸۶	۴۵	۳/۶۲
تأثیر شفافیت فعالیت مدیران شهری	۱۲	۳۳	۱۲۴	۱۵۳	۶۲	۳/۵۷
پاسخگویی مدیران شهری	۱۳	۳۹	۱۴۴	۱۳۰	۵۸	۳/۴۷
باور مسئولین به توانایی مردم در مشارکت و مدیریت شهری	۲۰	۲۸	۱۲۱	۱۵۳	۶۲	۳/۵۴
فراهم‌سازی زمینه مشارکت مردم توسط مدیران شهری	۱۴	۲۷	۱۰۸	۱۷۶	۵۹	۳/۶۲

در این تحقیق از آزمون تعیین نرمال و یا غیرنرمال بودن داده‌ها و به کمک نرم‌افزار SPSS از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف و شاپیرو - ویلک، استفاده شده است که با توجه به نتایج جدول (۵) مشخص می‌گردد که داده‌ها با توجه به اینکه کلیه مقادیر Sig= ۰/۰۰۰ می‌باشد و این مقادیر از ۰/۰۵ کمتر هستند مشخص می‌گردد که داده‌ها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند.

جدول ۴. بررسی نرمال‌یته بودن داده‌ها

شاپیرو-ویلک			کلموگروف - اسمیرنوف			عوامل
Sig	df	Statistic	Sig	df	Statistic	
...	۳۸۴	۰/۹۰۶	...	۳۸۴	۰/۱۹۵	میزان تأثیرگذاری وضعیت تاهل
...	۳۸۴	۰/۸۹۳	...	۳۸۴	۰/۲۲۳	میزان تأثیرگذاری سن
...	۳۸۴	۰/۸۹۲	...	۳۸۴	۰/۲۲۱	میزان تأثیرگذاری جنسیت
...	۳۸۴	۰/۸۹۵	...	۳۸۴	۰/۲۱۵	میزان تأثیرگذاری میزان تحصیلات
...	۳۸۴	۰/۸۹۴	...	۳۸۴	۰/۲۲۳	میزان تأثیرگذاری حس مسئولیت اجتماعی
...	۳۸۴	۰/۹۱۳	...	۳۸۴	۰/۱۸۳	میزان تأثیرگذاری انسجام اجتماعی
...	۳۸۴	۰/۹۱۲	...	۳۸۴	۰/۱۸۷	میزان تأثیرگذاری اعتماد به مسئولین شهر
...	۳۸۴	۰/۹۱۴	...	۳۸۴	۰/۱۸۵	میزان تأثیرگذاری رضایت اجتماعی
...	۳۸۴	۰/۸۸۸	...	۳۸۴	۰/۲۳۱	تأثیر شفافیت فعالیت مدیران شهری
...	۳۸۴	۰/۸۲۰	...	۳۸۴	۰/۲۳۹	پاسخگویی مدیران شهری
...	۳۸۴	۰/۸۸۱	...	۳۸۴	۰/۲۱۵	باور مسئولین به توانایی مردم در مشارکت و مدیریت شهری
...	۳۸۴	۰/۸۶۷	...	۳۸۴	۰/۲۶۶	فراهم‌سازی زمینه مشارکت مردم توسط مدیران شهری

پرسش اول تحقیق حاضر به بررسی رابطه یا عدم وجود آن در بین متغیرهای تحقیق می‌پردازد. که بدین منظور و با لحاظ غیرنرمال بودن داده‌ها و ضرورت استفاده از آزمون‌های ناپارامتریک از یکسو و از سوی دیگر باتوجه به کیفی بودن متغیرها جهت بررسی و آزمون وجود رابطه بین متغیرها از آزمون اسپیرمن استفاده شده است که نتایج آن طی جدول (۷) ارائه شده است. وهمانگونه که مشخص است از بین عوامل فردی مؤثر بر مشارکت شهروندان تنها رابطه بین سطح تحصیلات با مشارکت شهروندان معنادار بوده است. به عبارتی به احتمال ۹۵ درصد بین دو متغیر رابطه وجود داشته است. اما در بین عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان همانگونه که مشخص است بین کلیه متغیرها رابطه برقرار می‌باشد و باتوجه به مقادیر بدست آمده با احتمال ۹۹ درصد بین آنها رابطه وجود دارد. همچنین نتایج جدول (۷) نشان می‌دهد که کلیه متغیرهای عوامل مدیریتی و سیاسی نیز بر مشارکت شهروندان دارای رابطه می‌باشند و مقادیر محاسبه شده در این بخش نیز حاکی از این امر است که به احتمال ۹۹ درصد بین آنها رابطه وجود دارد. بنابراین در این تحقیق مشخص گردید که از بین عوامل فردی، میزان سطح تحصیلات و از بین عوامل اجتماعی متغیرهای مسئولیت اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد به مسئولین شهر و رضایت اجتماعی و در نهایت متغیرهای شفافیت فعالیت مدیران شهری، پاسخگویی مدیران شهری، باور مسئولین به توانایی مردم در مشارکت و مدیریت شهری و فراهم‌سازی زمینه مشارکت مردم توسط مدیران شهری از عوامل مدیریتی و سیاسی در جلب مشارکت شهروندان در شهر رشت تأثیر گذار می‌باشند.

جدول ۷. بررسی رابطه بین متغیرهای مربوط به عوامل فردی

عامل	متغیر اصلی	متغیرهای وابسته	ضریب معنی داری	شدت رابطه
فردی	میزان تأثیرگذاری وضعیت تاهل	مشارکت شهروندان	۰/۲۲۵	-۰/۶۲
	میزان تأثیرگذاری سن	مشارکت شهروندان	۰/۱۶۳	-۰/۷۱
	میزان تأثیرگذاری جنسیت	مشارکت شهروندان	۰/۵۵۳	-۰/۳۰
	میزان تأثیرگذاری میزان تحصیلات	مشارکت شهروندان	۰/۲۶	*۰/۱۱۴
اجتماعی	میزان تأثیر حس مسئولیت اجتماعی	مشارکت شهروندان	...	**۰/۴۷۱
	میزان تأثیر انسجام اجتماعی	مشارکت شهروندان	...	**۰/۴۵۹
	میزان تأثیر اعتماد به مسئولین شهر	مشارکت شهروندان	...	**۰/۴۲۳
	میزان تأثیر رضایت اجتماعی	مشارکت شهروندان	...	**۰/۴۰۳
مدیریتی - سیاسی	تأثیر شفافیت فعالیت مدیران شهری	مشارکت شهروندان	...	**۰/۵۳
	پاسخگویی مدیران شهری	مشارکت شهروندان	...	**۰/۴۶۵
	باور مسئولین به توانایی مردم در مشارکت و مدیریت شهری	مشارکت شهروندان	...	**۰/۴۰۵
	فراهم‌سازی زمینه مشارکت مردم توسط مدیران شهری	مشارکت شهروندان	...	**۰/۲۹۶

وجود رابطه با احتمال ۰/۰۵ درصد خطا *وجود رابطه با احتمال ۰/۰۱ درصد خطا

پرسش دوم این تحقیق، بررسی رتبه‌های بین عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان می‌باشد که باتوجه به غیرنرمال بودن داده‌ها، در این قسمت از آزمون ناپارامتریک فریدمن استفاده شده است. ابتدا عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان شهر رشت مورد بررسی قرار گرفتند که نتایج آن به شرح جدول (۸) نمایش داده می‌شود. باتوجه به نتایج این جدول مبنی بر میزان sig بدست آمده (۰/۰۰۳)، مقدار مجذور کای به دست آمده ۱۱/۸۰۶ که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ معنی دار بودن آزمون فریدمن را بیان می‌کند. به عبارت دیگر این امر حاکی از این است که آزمون فریدمن در اینجا از صحت لازم جهت تفسیر برخوردار است. بنابراین از بین عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان، عوامل مدیریتی و سیاسی با مقدار ۲/۱۳ حائز رتبه اول، عوامل اجتماعی با ۱/۹۶ در رتبه دوم و عوامل فردی با مقدار ۱/۹۲ در رتبه سوم قرار دارند.

جدول ۸. رتبه بندی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان

عوامل	رتبه متوسط	تعداد	کای اسکوئر	درجه آزادی	معناداری
عوامل فردی مؤثر بر مشارکت	۱/۹۲	۳۸۴			
عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت	۱/۹۶	۳۸۴			
عوامل مدیریتی سیاسی مؤثر بر مشارکت	۲/۱۳	۳۸۴	۱۱/۸۰۶	۲	۰/۰۰۳

مقادیر بدست آمده در جدول (۹) حاکی از معناداری آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی متغیرهای مربوط به عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان می‌باشد. لذا باتوجه به برخوردار بودن صحت آزمون فریدمن جهت تفسیر می‌توان رتبه‌های مربوط به متغیرهای هر عامل را به ترتیب به شرح زیر به انجام رساند. میزان تأثیرگذاری سطح تحصیلات با میزان ۲/۶۸ در رتبه نخست عوامل فردی، میزان تأثیرگذاری جنسیت با مقدار ۲/۵۲ در رتبه دوم، میزان تأثیرگذاری سن با میزان ۲/۴۵ در رتبه سوم و متغیرهای میزان تأثیرگذاری وضعیت تاهل با میزان ۲/۳۶ در رتبه چهارم قرار گرفتند بنابراین در بین عوامل فردی متغیر میزان سطح تحصیلات مهمترین عامل از بین عوامل فردی معرفی می‌گردد. همچنین میزان تأثیر رضایت اجتماعی با میزان ۲/۶۷ در رتبه نخست عوامل اجتماعی، میزان تأثیر انسجام اجتماعی ۲/۶۳ در رتبه دوم، میزان تأثیر اعتماد به مسئولین شهر با میزان ۲/۴۶ در رتبه سوم و میزان تأثیر حس مسئولیت اجتماعی با میزان ۲/۲۵ در رتبه چهارم قرار گرفتند بنابراین همانگونه که مشخص است از بین عوامل اجتماعی متغیر میزان تأثیر رضایت اجتماعی مهمترین عامل از بین عوامل اجتماعی معرفی می‌گردد. و در نهایت تأثیر فراهم‌سازی زمینه مشارکت مردم توسط مدیران شهری با میزان ۲/۵۷ در رتبه نخست عوامل مدیریتی و سیاسی، میزان تأثیر شفافیت فعالیت مدیران شهری با مقدار ۲/۵۵ در رتبه دوم، میزان تأثیر باور مسئولین به توانایی مردم در مشارکت و مدیریت شهری با میزان ۲/۴۹ در رتبه سوم و میزان پاسخگویی مدیران شهری با میزان ۲/۳۹ در رتبه چهارم قرار دارند بنابراین می‌توان با اطمینان عنوان داشت که از بین عوامل مدیریتی و سیاسی تأثیر فراهم‌سازی زمینه مشارکت مردم توسط مدیران شهری با اهمیت‌ترین عامل در بین عوامل مدیریتی و سیاسی مشخص می‌گردد.

جدول ۹. رتبه بندی متغیره

عوامل	متغیر	رتبه متوسط	تعداد	کای اسکوئر	درجه آزادی	معناداری
فردی	میزان تأثیرگذاری وضعیت تاهل	۲/۳۶	۳۸۴	۱۵/۱۲۹	۳	۰/۰۰۲
	میزان تأثیرگذاری سن	۲/۴۵				
	میزان تأثیرگذاری جنسیت	۲/۵۲				
اجتماعی	میزان تأثیرگذاری میزان تحصیلات	۲/۶۸	۳۸۴	۳۱/۹۸۲	۳	۰/۰۰۰
	میزان تأثیر حس مسئولیت اجتماعی	۲/۲۵				
	میزان تأثیر انسجام اجتماعی	۲/۶۳				
مدیریتی و سیاسی	میزان تأثیر اعتماد به مسئولین شهر	۲/۴۶	۳۸۴	۶/۲۷۰	۳	۰/۰۰۴
	میزان تأثیر رضایت اجتماعی	۲/۶۷				
	تأثیر شفافیت فعالیت مدیران شهری	۲/۵۵				
	پاسخگویی مدیران شهری	۲/۳۹				
	باور مسئولین به توانایی مردم در مشارکت و مدیریت شهری	۲/۴۹				
	فراهم‌سازی زمینه مشارکت مردم توسط مدیران شهری	۲/۵۷				

براساس پرسش سوم این تحقیق مبنی بر اینکه آیا تفاوت معناداری بین دیدگاه پاسخگویان در بین مناطق پنجگانه شهر رشت در خصوص عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان وجود دارد یاخیر؟ درابتدای امر و براساس نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف و شاپیرو - ویلک مشخص شد که توزیع داده‌ها غیرنرمال می‌باشد بنابراین جهت بررسی تفاوت دیدگاه‌ها در مناطق پنجگانه شهر رشت از آزمون ناپارامتریک کروسکال والیس استفاده گردید که با توجه به مقادیر معناداری در بین تمامی عوامل و متغیرهای مرتبط با آنها که جملگی بیش از مقدار ۰/۰۵ بودند مشخص می‌گردد که هیچگونه تفاوت معناداری در بین دیدگاه‌های پاسخگویان در مناطق مختلف شهر رشت ملاحظه نمی‌گردد.

جدول ۱۰. تفاوت مقادیر در بین مناطق پنجگانه شهر رشت

عامل	متغیر	کای اسکویر	درجه آزادی	معنی داری
فردی	میزان تأثیرگذاری وضعیت تاهل	۰/۱۹۵	۴	۰/۹۹۶
	میزان تأثیرگذاری سن	۱/۲۷۹	۴	۰/۸۶۵
	میزان تأثیرگذاری جنسیت	۱/۸۵۶	۴	۰/۷۶۲
	میزان تأثیرگذاری میزان تحصیلات	۰/۰۳۳	۴	۰/۱۰۰
اجتماعی	میزان تأثیر حس مسئولیت اجتماعی	۰/۰۶۳	۴	۰/۱۰۰
	میزان تأثیر انسجام اجتماعی	۰/۱۴۵	۴	۰/۹۹۸
	میزان تأثیر اعتماد به مسئولین شهر	۰/۶۵۷	۴	۰/۹۵۷
	میزان تأثیر رضایت اجتماعی	۱/۵۳۲	۴	۰/۸۲۱
مدیریتی - سیاسی	تأثیر شفافیت فعالیت مدیران شهری	۰/۶۵۷	۴	۰/۹۵۷
	پاسخگویی مدیران شهری	۰/۳۸۵	۴	۰/۹۸۴
	باور مسئولین به توانایی مردم در مشارکت و مدیریت شهری	۱/۰۵۶	۴	۰/۹۰۱

نتیجه گیری

از سوی صاحب نظران عوامل متعددی جهت جلب مشارکت مردم در اداره و مدیریت شهری مطرح شده‌اند که می‌توان مهمترین آنها را بدین شرح عنوان کرد. احساس ضرورت به مشارکت مردم در اداره امور شهری توسط مدیران شهری و شهروندان، عوامل فردی، ساختار خانواده‌ها، سلامت جسمی و روحی شهروندان، سن، جنسیت، میزان تحصیلات، عوامل اقتصادی، سودآور بودن فعالیت مشارکتی، وضعیت و پایگاه اقتصادی شهروندان، نوع مالکیت، وضعیت شغلی، وضعیت اقتصادی، عوامل اجتماعی، احساس مالکیت، مدت زمان سکونت، تعلق مکانی، اعتماد نهادی، رضایت‌های اجتماعی و خدماتی شهروندان، اعتماد اجتماعی، امنیت اجتماعی، عوامل مدیریتی و سیاست‌های انگیزشی. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از بین عوامل فردی مؤثر بر مشارکت شهروندان سطح تحصیلات با جلب مشارکت شهروندان دارای رابطه می‌باشد به عبارتی دیگر سطح تحصیلی افراد در مشارکت آنان در اداره و مدیریت شهری مؤثر است. نتایج این بخش با نتایج مطالعات زالی و همکاران در سال ۱۳۹۲، قلی پورو همکاران سال ۱۳۹۱، وحیدا و همکاران سال ۱۳۸۳ و علیزاده اصل و همکاران در سال ۱۳۹۲ و علیزاده اقدم و همکاران ۱۳۹۲ مبنی بر تاثیر عوامل فردی بر مشارکت مردم بر مدیریت و اداره شهر همسان می‌باشد. نتایج دیگر این تحقیق نشان داد که در حیطه مسایل اجتماعی متغیرهای حس مسئولیت اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد به مسئولین شهر و تأثیر رضایت اجتماعی از عوامل تاثیرگذار و مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره و مدیریت شهر در شهر رشت می‌باشد که نتایج این قسمت از تحقیق حاضر با نتایج مطالعات و تحقیقات محسنی و همکاران در سال ۱۳۸۲، زاهدی و همکاران در سال ۱۳۹۱، زالی و همکاران در سال ۱۳۹۲، قلی پورو و همکاران در سال ۱۳۹۱، شیبانی و همکاران ۱۳۹۱، علیزاده اقدم و همکاران در سال ۱۳۹۲، حسین زاده و همکاران در سال ۱۳۹۱، تقوایی و همکاران ۱۳۸۸، انصاری و همکاران در ۱۳۹۳ و علیزاده اصل و همکاران ۱۳۹۲ همخوانی دارد و بخش دیگر نتایج این تحقیق حاکی از تاثیر متغیرهای شفافیت فعالیت مدیران شهری، پاسخگویی مدیران شهری، باور مسئولین به توانایی مردم و فراهم سازی زمینه مشارکت مردم در مدیریت شهری از مهمترین عوامل مؤثر در جلب مشارکت مردم به شمار می‌رود. نتایج این تحقیق با نتایج مطالعات موسیایی و همکاران ۱۳۹۰، زالی و همکاران در سال ۱۳۹۲، علیزاده اقدم و همکاران سال ۱۳۹۲، حسین زاده و همکاران ۱۳۹۱ و تقوایی و همکاران مطابقت دارد. نتایج آزمون Fridman این پژوهش حاکی از این امر است که از بین عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان، عوامل مدیریتی و سیاسی با مقدار ۲/۱۳ حائز رتبه اول، عوامل اجتماعی با ۱/۹۶ رتبه دوم و عوامل فردی با مقدار ۱/۹۲ در رتبه سوم

قرار دارند همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد میزان تأثیرگذاری سطح تحصیلات بامقدار ۲/۶۸ در رتبه نخست عوامل فردی، میزان تأثیر رضایت اجتماعی بامیزان ۲/۶۷ در رتبه نخست عوامل اجتماعی، و تأثیر فراهم‌سازی زمینه مشارکت مردم توسط مدیران شهری بامیزان ۲/۵۷ در رتبه نخست عوامل مدیریتی و سیاسی، قرار دارند. نتایج آزمون ناپارامتریک کروسکال والیس جهت بررسی تفاوت دیدگاه‌ها در مناطق پنجگانه شهر رشت نشان داد که باتوجه به مقادیر معناداری در بین تمامی عوامل و متغیرهای به میزان بیش از مقدار ۰,۰۵ مشخص گردید که هیچگونه تفاوت معناداری در بین دیدگاه‌های پاسخگویان در مناطق مختلف شهر رشت وجود ندارد.

تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مستقل بوده و بدون حمایت مالی سازمانی انجام شده است.

منابع

- انصاری، ابراهیم و تاج‌الدین، حمید. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۳ شهر اصفهان). *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۴(۱۲)، ۱۷۸-۱۶۱.
- تقوایی، مسعود؛ رسول بابانسیب و چمران موسوی. (۱۳۸۸) تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مطالعه موردی منطقه ۴ شهر تبریز. *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۱(۲)، ۳۶-۱۹
- حسین زاده، علی حسین و حمید فدایی ده چشمه. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهر شهرکرد). *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۲(۵)، ۸۲-۵۹
- زالی، نادر؛ مهدی، علی طورانی و معصومه مهدیان بهنمیری. (۱۳۹۲). تحلیلی بر عملکرد مدیریت شهری شهر مهاباد از منظر مشارکت و رضایتمندی شهروندی. *دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۴(۸)، ۴۴-۲۷.
- زاهد زاهدانی، سید سعید و سید محسن زهری بیدگلی. (۱۳۹۱). مدیریت شهری و تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری. *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۲(۵)، ۱۲۰-۸۳.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان. (۱۳۹۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، معاونت آمار و اطلاعات، قابل دسترسی در <https://www.amar.org.ir>
- شیانی، ملیحه؛ بهراد رضوی الهاشمی، و کامل دلپسند. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری تهران. *مطالعات شهری*، ۲(۴)، ۲۴۰-۲۱۵.
- صادقی، مجتبی و محمد رحیم رهنما. (۱۳۹۲). تبیین ساختاری - کارکردی مدیریت مشارکتی شهری (مطالعه موردی: شهر مشهد). *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۴۵(۱)، ۱۸۴-۱۶۹.
- طرح توسعه محلات شهر رشت. (۱۳۹۵). شهرداری رشت.
- علیزاده، کتایون؛ مرتضی رضوی‌نژاد، و رادفر، مینا. (۱۳۹۲). بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری (نمونه موردی منطقه ۱۰ شهرداری مشهد). *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری*، ۱(۱)، ۸۱-۶۷.
- علیزاده، یوسف. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر اردبیل). اولین کنگره تخصصی مدیریت شهری و شوراهای شهر
- علیزاده اصل، جبار؛ باقری، کیوان؛ بابانسیب، رسول و بالیده، امین‌الله. (۱۳۹۲). تحلیلی بر عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری (مطالعه موردی: شهر مریوان). نخستین همایش ملی مدیریت یکپارچه شهری و نقش آن در توسعه پایدار.
- علیزاده اقدم، محمدباقر؛ عباس زاده، محمد؛ کوهی، کمال و مختاری، داود. (۱۳۹۲). نهادهای شهری و مشارکت شهروندان در اداره امور شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان). *فصلنامه جغرافیایی انسانی*، ۴۵(۲)، ۲۱۴-۱۹۵.
- غفاری، غلامرضا و ابراهیم جمشیدزاده. (۱۳۹۰). مشارکت‌های مردمی و امور شهری (بررسی موانع، مشکلات و راهکارهای توسعه مشارکت‌های مردمی. معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران. چاپ اول، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- قلی‌پور، سیاوش؛ مصطفی پور، کامبیز؛ فلاحی گیلان، روح‌الله و احمدزاده، مریم. (۱۳۹۱). بررسی مشارکت شهروندان در امور شهری. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، انتشارات مدیریت فناوری اطلاعات و مرکز اسناد.
- محسنی، منوچهر و جلال‌اللهی، عذرا؛ (۱۳۸۴). *مشارکت اجتماعی در ایران*. تهران: انتشارات آرون.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵.

موسایی، میثم؛ الهاشم و بهراد رضوی. (۱۳۹۰). بررسی (SWOT) مشارکت شهروندان در امور شهری. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۱(۴۱)، ۱۵۹-۱۲۳.

Dunstan, K. (2007). Creating an Indicator of Livability: The Neighborhood Livability Assessment Survey (NLAS). Paper Prepared for European Urban Research Association (EURA) conference, 12-14 September, Glasgow, Scotland.

Evans, P. (ed.), (2002). *Livable Cities? Urban Struggles for Livelihood and Sustainability University of California Press Ltd, USA*, pp: 2-30.

Lang, M. (1987). citizen participation in urban planning: planning attitudes. *Geojournal*, 14(2), 228-235.

Newton, P. (2012). Livable and Sustainable? Socio-Technical Challenges for Twenty-First-Century Cities. *Journal of Urban Technology*, Vol.19, 81-102.

Pacione, M. (2003). Urban environmental quality and human wellbeing – a social geographical perspective. *Landscape and Urban Planning*, 65(1), 19-30.

Prez Delhoyo, R., Delores, M., & Mora, H. (2018). Citizen participation in urban planning – management process, smart greens. 7 international conferences on smart cities.

Radcliff, B. (2001). Politics, markets and life satisfaction: The Political economy of human happiness. *American Political Science Review*, 95(4), 932-952.

Wilson, A., Tawder, M., & Comber, R. (2017). Urban planning, public participation and digital technology. *environment and planning B: urban analytics and city sciences*, 46(2), 286-303.

How to cite this article:

Nobakht Haghighi, Sh., & Ghanbari, H.A. (2023). Comparative Assessment of Factors Influencing on Citizens' Contribution in Quintet Zones of Rasht. *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 17(4), 919-932.

ارجا به این مقاله:

نوبخت حقیقی، شهاب و قنبری، حسین علی. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مناطق پنجگانه شهر رشت.

فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۷(۴)، ۹۱۹-۹۳۲.